

Comparative Critique of the Translation of Parts of the Novel "Sayyid al-Qamar" Emphasizing the Seven Techniques

Mohammadnabi Ahmadi * 

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran

Yahya Babaei 

M.A. Student in Arabic Translation, Razi University, Kermanshah, Iran

Abstract


Each of the translation theorists has more or less been able to influence the history of translation with their works and opinions. Among them were Jean-Paul Vienne and Jean Darbelne in 1958. They published a book entitled "French and English Comparative Stylistics". This book introduces the techniques that every translator uses, and due to the significant impact this work has had on the history of translation, it has actually become an important reference for translation techniques. In the present study, after providing a brief definition for each of these techniques, examples are mentioned for each. After exploring and comparing the translated text with the original text of the famous novel "Sayyid al-Qamar" and in accordance with the same technique, these samples have been selected to analyze the translation of this novel written by Ms. Jokheh al-Harithi (2010) and Mohammad Hezbai Zadeh. He translated it as "Women of the Moon". This article seeks to evaluate the translation of the novel based on the opinions of famous translation theorists and in a problem-oriented study with an analytical-descriptive method to measure the tendency and success of the translator in using these techniques, which in the end, the translator has taken a destination-oriented approach due to his special attention to the reader's understanding and communication with him. Therefore, to create a fluent and understandable text, it has used less direct techniques and more indirect methods to finally provide a readable translation in Persian whose expressions and terms are familiar to the Persian-language readers and free of ambiguity and complexity, and is appropriate to the level of readers of a novel.


Keywords: Comparative Criticism, Sayyid al-Qamar, Vienna and Darblaneh, Seven Techniques.

* Corresponding Author: mn.ahmadi217@yahoo.com

How to Cite: Ahmadi, M. N., Babaei, Y. (2022). Comparative Critique of the Translation of Parts of the Novel "Sayyid al-Qamar" Emphasizing the Seven Techniques. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 12(26), 217-244. doi: 10.22054/RCTALL.2021.58708.1538

نقد ترجمه بخش‌هایی از رمان «سیدات القمر» با تأکید بر تکنیک‌های هفت‌گانه

محمدنبی احمدی*  دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

یحیی بابایی  دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

هر یک از نظریه‌پردازان ترجمه کم و بیش توانسته‌اند با آثار و آرای خود بر تاریخ ترجمه مؤثر باشند. از این میان ژان پل وینه و ژان داربلنه در سال ۱۹۵۸ میلادی کتابی را با عنوان «سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی» منتشر کردند. این کتاب تکنیک‌هایی را معرفی می‌کند که هر مترجمی از آن بهره می‌برد و با توجه به تأثیر چشم‌گیری که این اثر در تاریخ ترجمه داشته به مرجع مهمی برای تکنیک‌های ترجمه تبدیل شده است. در پژوهش حاضر پس از ارائه تعریفی گذرا برای هر یک از این تکنیک‌ها برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر شده است. این نمونه‌ها بعد از کاوش و مقایسه متن ترجمه با متن اصلی رمان مشهور «سیدات القمر» و متناسب با همان تکنیک انتخاب شده است تا به واکاوی ترجمه این رمان بپردازد که تألیف جوخه الحارثی (۲۰۱۰ میلادی) است و محمد حزبائی زاده آن را با عنوان «بانوان ماه» ترجمه کرده است. این مقاله درصدد است که ترجمه این رمان را با استناد به آرای نظریه‌پردازان مشهور ترجمه ارزیابی کند و در یک پژوهش مسأله‌محور با روش تحلیلی- توصیفی میزان گرایش و موفقیت مترجم را در به کارگیری این تکنیک‌ها بسنجد که در پایان نتیجه می‌گیرد مترجم به خاطر توجه ویژه به فهم خواننده و ارتباط با او، رویکردی مقصد‌گرایانه داشته است؛ بنابراین، برای خلق یک متن روان و قابل فهم، تکنیک‌های مستقیم را کمتر به کار گرفته و بیشتر از روش‌های غیرمستقیم بهره برده است تا در نهایت، ترجمه‌ای خواندنی به زبان فارسی ارائه کند که عبارات و اصطلاحات آن برای مخاطبان فارسی‌زبان آشنا و خالی از ابهام و پیچیدگی بوده و با سطح خوانندگان یک رمان متناسب است.

کلیدواژه‌ها: نقد، وینه و داربلنه، سیدات القمر، تکنیک‌های هفت‌گانه.

مقدمه

نقد ترجمه از دیرباز مورد توجه عده‌ای از نویسندگان بوده است، اما در عصر حاضر با گسترش وسائل ارتباط جمعی و ترجمه روزانه انبوهی از اطلاعات و اخبار و کتاب‌های علمی و ادبی، نقد ترجمه کم‌کم از چهار چوب سنتی خود فاصله گرفته و با وارد شدن به مرحله‌ای جدید به تخصصی‌تر نو در جهان تبدیل شده است. البته همان گونه که خزاعی فر می‌گوید: «در ایران هنوز نقد ترجمه‌ها مبنایی نظری پیدا نکرده چون مطالعات نظری ترجمه رونق پیدا نکرده است. نقدها عموماً جزئی‌نگرند و متن را در سطح خرد و نه کلان بررسی می‌کنند» (خزاعی فر، ۱۳۷۷: ۴).

ناقدان ترجمه نیز با در نظر گرفتن نوع متن، پیام و مخاطبان آن و همچنین میزان به کارگیری هر یک از تکنیک‌های ترجمه توسط مترجم، به دسته‌بندی ترجمه‌ها پرداخته‌اند. از مهم‌ترین دسته‌بندی‌های ترجمه، تقسیم آن به مستقیم و غیرمستقیم است و در این میان ترجمه‌های ادبی و رمان‌ها با چالش‌های ویژه‌ای مانند ترجمه استعاره‌ها و مجازها و تعبیرات محلی و معادل‌یابی آن‌ها در زبان مقصد روبه‌رو است که این خود ترجمه را به سمت تکنیک‌های غیرمستقیم سوق می‌دهد.

در میانه قرن بیستم دو مترجم کانادایی با نام‌های ژان پل وینه و ژان داربلنه^۱ با توصیف روش‌های مورد استفاده در ترجمه متن انگلیسی به فرانسوی و برعکس، اساسی را بنا نهادند که بعداً معیاری برای نقد دیگر ترجمه‌ها به زبان‌های مختلف شد. آنان در کتاب خود به معرفی تکنیک‌های ترجمه پرداخته و بنا به قول خزاعی فر «نشان دادند که واحد ترجمه کلمه نیست، بلکه ترجمه فرآیندی پیچیده است که در انجام آن مترجم ناخودآگاه تکنیک‌های متعددی به کار می‌گیرد» (خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۲۳).

تکنیک‌های ارائه‌شده توسط این دو مترجم به سبب جامعیتی که دارد، هم ترجمه مستقیم و هم ترجمه غیرمستقیم را در بر گرفته است؛ بنابراین بستر مناسبی را برای واکاوی ترجمه‌های مختلف فراهم آورده است.

پژوهش حاضر قصد دارد رمان «بانوان ماه» را براساس تکنیک‌های هفت‌گانه وینه و داربلنه مورد بررسی قرار دهد تا در ضمن بیان تکنیک‌های هفت‌گانه از مرحله بررسی توصیفی فراتر رفته و خواننده را عملاً با هر یک از این تکنیک‌ها به صورت تطبیقی آشنا

1. Paul Vinay, J & Darbelnet, J.

سازد و عواملی که مترجم را برای استفاده و روی آوردن بیشتر به هر یک از این روش‌ها تشویق می‌کند، ذکر کند.

کتاب بانوان ماه ترجمه فارسی رمان «سيدات القمر» تألیف «جوخه الحارثی» است که ترجمه انگلیسی آن در سال ۲۰۱۹ میلادی برنده جایزه بین‌المللی «من بوکر»^۱ شده و در سال ۱۳۹۹ شمسی محمد حربائی زاده آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است.

«سيدات القمر» در ایران ترجمه‌های متعددی با عناوین مختلف مانند «بانوان مهتاب»، «دختران مهتاب»، «دختران ماه»، «ماه‌خاتون‌ها»، «اجرام آسمانی» و ... داشته است، اما در این میان ترجمه حربائی زاده تفاوت ویژه‌ای با بقیه دارد و آن توجه خاص مترجم به حفظ لحن و صدای شخصیت‌های رمان است؛ یعنی مترجم با سعی و تلاشی موفقیت‌آمیز توانسته است برای هر یک از شخصیت‌های رمان از عبارات و کلمات و اصطلاحاتی بهره‌جوید که دقیقاً متناسب با آن شخصیت‌ها است و بیانگر هویت، افکار و دنیای هر یک از آنان است و همین امر است که مترجم را بیشتر به سمت رویکردهای غیرمستقیم سوق داده است.

این مقاله در صدد جواب به دو سؤال است؛ - ترجمه مذکور تا چه اندازه از هر یک از تکنیک‌های هفت‌گانه (قرض‌گیری، گره‌برداری، تحت‌اللفظی، تغییر صورت، تغییر بیان، معادل‌یابی و اقتباس) بهره‌برده است؟ - در تکنیک‌هایی که به کار برده تا چه حدی موفق بوده است؟

فرضیه‌ای که در جواب مسأله‌های این پژوهش ارائه می‌شود، این است: با توجه به اینکه ترجمه یک رمان در پیش روی ماست که ویژگی‌های یک متن ادبی را دارد و مملو از کنایات و عبارات محلی و تکیه‌کلام‌های عامیانه است و همچنین با وجود اختلافات فرهنگی در زبان مبدأ و مقصد، ترجمه مستقیم و تحت‌اللفظی نمی‌تواند جواب‌گوی انتقال معانی باشد؛ بنابراین، احتمالاً مترجم برای ایجاد تأثیری مشابه در خوانندگان متن مقصد به تکنیک‌های غیرمستقیم روی آورده و از قید و بند واژگان، خود را آزاد کرده است.

۱. پیشینه پژوهش

در زمینه نقد و واکاوی متون ترجمه شده، پژوهش‌هایی با درنظر داشتن تکنیک‌های وینه و داربلنه انجام شده است.

1. Booker, M.

- مهشید جوان فرد (۱۳۹۳ش.) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان (بررسی و تحلیل هنجارهای ترجمه در تبدیل‌های ترجمه‌ای نظریات کتفورد و وینه و داربلنه) به بررسی ترجمه مشهور قلعه حیوانات بر پایه دو نظریه «کتفورد» و «وینه و داربلنه» پرداخته است و در پایان به این نتیجه رسیده است که نظریه وینه و داربلنه چون دربرگیرنده همه تکنیک‌های ترجمه است و جامعیت بیشتری دارد، هنجارها در آن بیشتر رعایت شده است. همچنین انتظار خوانندگان متن مقصد به خاطر در نظر گرفتن عوامل فرهنگی در این نظریه بیشتر بر آورده شده است.

- شهریار نیازی و دیگران (۱۳۹۶ش.) مقاله‌ای با عنوان (واکاوی بخشی از ترجمه رمان «الشحاذ» براساس الگوی وینه و داربلنه) نگاشته‌اند که در آن به بررسی تکنیک‌های به کاررفته توسط محمد دهقانی، پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مترجم به خاطر اینکه بتواند به بازآفرینی هنرمندانه مواد متنی زبان مبدأ در زبان مقصد پردازد بیشتر از روش‌های غیرمستقیم به ویژه اقتباس استفاده کرده است؛ چون اقتباس بهترین و رایج‌ترین روش در انتقال فرهنگ و جریان‌های اجتماعی به شمار می‌رود.

- فهیمه آهنگر نژاد (۱۳۹۶ش.) در مقاله‌ای با عنوان (بررسی تطبیقی ترجمه «أصداء السیره الذاتیه» نجیب محفوظ با تأکید بر نظریه وینه و داربلنه) به نقد صفحاتی از این کتاب پرداخته و ضمن اشاره به برخی از لغزش‌های مترجم روش‌های دیگری را برای ترجمه پیشنهاد کرده است؛ البته اگر چه نویسنده محترم بر نقد کردن براساس نظریه‌های علمی تأکید زیادی نموده است، اما متأسفانه در تحلیل بسیاری از شاهد مثال‌های خود هیچ‌گونه دلیل علمی ارائه نکرده است و برای تایید با رد نمونه‌هایی که مورد نقد قرار داده است از الگو و چهارچوب مشخصی پیروی ننموده است.

- احسان اسماعیلی طاهری و دیگران (۱۳۹۷ش.) در پژوهشی با عنوان (واکاوی ترجمه گرمارودی از نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر بر پایه راهکارهای هفت‌گانه وینه و داربلنه) به تبیین نظری تکنیک‌های وینه و داربلنه می‌پردازد و با تطبیق نمونه‌هایی از ترجمه نامه امام علی علیه السلام به مالک، بهره‌وری از این تکنیک‌ها را بررسی می‌کند و در پایان به این نتیجه می‌رسد که مترجم با تأکیدی که بر اصل سره‌نویسی و زبان آرائی دارد، از مؤلفه‌های ترجمه غیر مستقیم بیشتر بهره برده است و در ترجمه ایشان قرض‌گیری‌ها اندک

است، گرت‌برداری‌ها معطوف به اصطلاحات دینی بوده و تکنیک تحت اللفظی تنها زمانی به کار گرفته شده که به معنی کلام و قواعد دستوری زبان مقصد خللی وارد نکرده باشد. اگر چه پژوهش‌هایی با تکیه بر تکنیک‌های ترجمه انجام شده است، اما تا کنون پژوهشی در مورد رمان «سيدات القمر» صورت نگرفته است و پژوهش حاضر پژوهشی جدید و متفاوت می‌باشد.

۲. جوخة الحارثی

جوخة الحارثی، رمان‌نویس و نویسنده عمانی و استاد دانشگاه السلطان عمان است. او در سال ۱۹۷۸ میلادی در یک خانواده ادبی متولد شد و از کودکی با نویسندگان و شاعران بسیاری آشنایی داشته است. وی دارای مدرک دکتری ادبیات عرب از دانشگاه ادینبرا^۱ از اسکاتلند است. قبل از رمان سيدات القمر، یک مجموعه داستان کوتاه، یک کتاب کودکان و سه داستان دیگر را نیز تألیف کرده است. داستان‌های کوتاه او به انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، کره‌ای و صربی ترجمه شده‌اند. الحارثی اولین نویسنده عرب است که با نوشتن رمان سيدات القمر برنده جایزه بین‌المللی «من بوکر» شده است.

۳. خلاصه رمان سيدات القمر

رمان سيدات القمر در خلال زندگی سه خواهر و خانواده‌هایشان، تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی عمان را در طول یک دوره متغیر به نمایش می‌کشد. این سه خواهر که مایا، خوله و اسماء نام دارند، شخصیت‌های اصلی رمان هستند. زندگی آن‌ها در یکی از روستاهای عمان به نام «العوافی» می‌گذرد. مایا پس از یک دل‌شکستگی عشقی با عبدالله و اسماء نیز از سر مسئولیت با خالد ازدواج می‌کند و خوله با رد پیشنهادهای ازدواج منتظر بازگشت پسرعموی دل‌بندش، ناصر از کانادا می‌ماند. این رمان، به قول مترجم رمانی تاریخی نیست، اما نویسنده با توان فرسایی قلمش توانسته است، ۱۰۰ سال تاریخ عمان را به مخاطب بشناساند و از کشوری سنتی که برده داشتن در آن رایج بوده به کشوری مدرن و متناقض تغییر می‌یابد. نویسنده، رمان را در فصل‌هایی کوتاه بنا نهاده و این فصل‌ها را میان

1. University of Edinburgh

شخصیت‌های داستان تقسیم می‌کند. به هر شخصیتی صدایی می‌بخشد تا بخشی از داستان را بگوید و این صداها در نهایت به هم می‌رسند تا دنیای خاص «بانوان ماه» را نشان دهند.

۴. بررسی تطبیقی تکنیک‌های مستقیم

۴-۱. قرض‌گیری (الاقتراض)^۱

قرض‌گیری به معنی وارد شدن مستقیم واژگان از زبان مبدأ به زبان مقصد است. به عبارت دیگر، کلمات تقریباً بدون تغییری در لفظ و معنا وارد زبان مقصد می‌شود که این نوع ترجمه بیشتر زمانی به کار گرفته می‌شود که مترجم با واژه‌ای مواجه می‌شود که معادل آن با همان مفهوم در زبان مقصد وجود ندارد. البته گاهی در زبان مقصد هم معادل نزدیک آن وجود دارد، اما مترجم به خاطر حفظ بافت دینی و فرهنگی و تاریخی، واژه را عیناً قرض می‌گیرد. گاهی هم به خاطر شیفتگی و علاقه مترجم به زبان و فرهنگ مبدأ و سعی بر کاستن اختلافات فرهنگی در زبان مبدأ و مقصد به این تکنیک روی می‌آورد؛ چون همان گونه که وینه و داربلنه اظهار کرده‌اند: «حاصل این کار، کم رنگ شدن اختلاف‌های فرهنگی است. این کلمات در اثر استفاده روزمره و پس از گذشت زمان، دیگر واژه‌ای خارجی محسوب نمی‌شوند و مخاطب به راحتی مفهوم آن را درک می‌کند» (Vainy & Darbelnet, 1995: 84).

در ترجمهٔ رمان سیدات القمر، مترجم به خوبی توانسته است با تکیه بر رویکردهای غیرمستقیم، ترجمه‌ای شیوا و خوانا را ارائه دهد، اما بنا به دلایلی به صورت اجباری یا اختیاری از روش قرض‌گیری نیز بهره برده است که چند مورد از آن‌ها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گاهی مترجم با واژگانی مواجه می‌شود که مربوط به کالاها یا پدیده‌هایی است که اصل آن‌ها به زبانی خارجی غیر از زبان مبدأ و مقصد است و مترجم را وادار می‌کند که از طریق قرض‌گیری آن را دوباره‌نویسی کند. این نوع قرض‌گیری، هیچ خللی به خوانایی ترجمه وارد نمی‌کند؛ موارد زیر نمونه‌هایی از این موضوع است:

1. Borrowing

متن اصلی: «كنت اشتری لها الهانیز والمیلوبا» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۶).

ترجمه: «برایش هانیز و میلوبا می خریدم» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۴).

متن اصلی: «أرید النوع الجدید من البلاء ستنیشن» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۲۸).

ترجمه: «مدل جدید پلی استیشن را می خوام» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۲).

متن اصلی: «کنا فی سيارتها المرسيديس البيضا» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۵۴).

ترجمه: «سوار ماشین مرسدس سفید بودیم» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۴۵).

نمونه‌های بالا و همه قرض‌گیری‌هایی که مربوط به اسم‌های خاص، نام شرکت‌ها مؤسسه‌ها و ... است. در حقیقت نوعی از معادل‌های قالب‌پذیر هستند که مترجم در آن اختیاری ندارد. «معادل‌های قالب‌پذیر معادل‌هایی هستند که اصولاً دارای ویژگی‌های ثابت و همیشگی‌اند و می‌توان مستقل از شرایط، همین معادل‌ها را انتخاب کرد و در شرایط مختلف قابل استفاده هستند؛ مانند همه اسامی خاص، نام‌های جغرافیایی، نام روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها، نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌ها، نام شرکت‌ها و مؤسسه‌های خصوصی و دولتی و نیز نام خیابان‌ها و نشانی‌ها و ... بدین ترتیب معادل‌های قالب‌پذیر، معادل‌های اجباری هستند که همیشه و در هر شرایط می‌توان از آن‌ها استفاده کرد» (ناظمیان، ۱۳۹۲: ۸۸).

گاهی مترجم در متن اصلی با جملاتی از یک متن تاریخی مواجه است که یکی از شخصیت‌های رمان آن را می‌خواند یا بازگو می‌کند. در این موارد، مترجم با مهارت خاصی از روش‌های نگارش و ترجمه قدیمی که معمولاً مستقیم بوده است، استفاده می‌کند و با این کار قدمت متن را در ذهن خواننده القاء می‌کند. موارد زیر نمونه‌هایی از این موضوع است:

متن اصلی: «فأصاب الفيلة عطش شديد» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۳۶).

ترجمه: «عطشی شدید بر پیلان مستولی شد.» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۹)

متن اصلی: «أنیری مکان البدر إن أفل البدر ... وقومی مقام الشمس ما استأخر الفجر» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۱۳).

ترجمه: «و به جای ماه روشنی بخش اگر ماه افول کرد ... و به جای آفتاب طلوع کن، اگر سپیده دیر کرد» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۸۹)

در نمونه‌های بالا روشن است که مترجم برای حفظ قدمت و ادبی بودن متن مبدأ از ترجمه مستقیم و نگارش فارسی قدیم بهره برده و واژه‌هایی را به کار گرفته که هم در زبان فارسی و هم عربی متداول بوده است. این رویکرد شاید گاهی فهم متن را با چالش روبه‌رو کند، اما از دیدگاه عده‌ای از نظریه پردازان بزرگ ترجمه، ناپسند نیست، بلکه اهداف مهمی را نیز محقق می‌سازد. کوثری درباره ترجمه با زبان قدیمی وار چنین می‌گوید: «مترجم است که تعیین می‌کند چه واژه‌ای برگزیند که خواننده امروزی اگر با آن آشنا نیست با کمترین جست‌وجو در فرهنگ‌ها به آن دست یابد و من این جست‌وجو را سودمند می‌دانم ... این هرگز به معنای کهنه‌گرایی نیست. این کاری است که به غنای زبان کمک می‌کند؛ البته مشروط بر آن که کار را از تناسب بیرون نکنیم».

در مواردی که عبارات دینی در شرایط مشابه در زبان مبدأ و مقصد به یک صورت بیان می‌شود، نیازی به ترجمه نیست و آن عبارت بهتر است عیناً ترجمه شود. مثلاً جملاتی مانند «أستغفرالله، ما شاء الله والبقاء لله» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۲۰) بدون ترجمه کلمات و عبارات، از متن اصلی قرض گرفته شده و به زبان مقصد وارد شده است. گاهی مترجم به خاطر روبه‌رو شدن با واژه‌ای که تداعی‌گر اتفاقی خاص یا کالایی محلی در زبان مبدأ بوده و در زبان فارسی معادلی ندارد از قرض‌گیری استفاده کرده است، موارد زیر نمونه‌هایی از این موضوع است:

متن اصلی: «ما یقدر قدر البیسة» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۵۴).

ترجمه: «قدر بیسه را نمی‌دونه» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۴۵)

متن اصلی: «بل صنعت خبز الرقاق بنفسها للنفساء» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۲۰).

ترجمه: «و با دست خودش برای زائو نان رقاق پخت» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۷)

در دو نمونه اخیر، همان‌گونه که مترجم به صورت جداگانه در پاورقی به آن اشاره کرده است، منظور از «بیسه» کوچک‌ترین واحد پول عمان و منظور از «رقاق» نیز نوعی نان محلی است که روی ساج می‌پزند و به آن تخم مرغ و روغن می‌زنند که هیچ‌کدام

معادلی در فارسی ندارند و مترجم اجباراً آن‌ها را به زبان مقصد وارد کرده است. مترجم گاهی و به ندرت از قرض‌گیری‌هایی بهره برده است که هیچ توجیهی نداشته و به خوانایی متن آسیب می‌زند. موارد زیر نمونه‌هایی از این موضوع است:

متن اصلی: «لقد أمضى مع أصدقائه من البدو شطراً من الليل في الأحاديث والسمر» (جوخه الحارثی، ۲۰۱۰: ۳۷).

ترجمه: «با دوستان بادیه‌نشین تا پاسی از شب را به حرف و حدیث و سمر گذرانده بود» (حزبائی‌زاده، ۱۳۹۹: ۳۱)

متن اصلی: «وظفائره ترفرف في الهوا وحرز الفضة على عنقه» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۵۱). ترجمه: «گیس‌هایش توی هوا و حرز نقره‌ای در گردنش بود.» (حزبائی‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۳).

در مثال‌های فوق، واژه «سمر» در فارسی به معنی «شب‌بیداری» و واژه «حرز» به معنی «تعویذ» و «دعای چشم‌زخم» است (قیم، ۱۳۹۳: ۷۲۷) که مترجم آن را با همان لفظ خود وارد زبان مقصد کرده و تا حدی به گنگ شدن متن منجر شده است.

۴-۲. گرتة برداری (المحاكاة اللغوية)^۱

گرتة برداری یا ترجمه قرضی در حقیقت نوعی قرض‌گیری است با این تفاوت که در روش قرض‌گیری، واژگان مطرح بوده، اما در گرتة برداری، مفاهیم مورد نظر است. به عبارت دیگر، به جای اینکه واژه مبدأ با همان لفظ خود وارد زبان مقصد شود، ابتدا اصطلاح یا عبارت، تجزیه شده و به صورت جزء جزء ترجمه می‌شود. سپس این اجزای ترجمه شده را در کنار هم قرار داده و عبارت جدیدی را که به دست آمده در زبان مقصد وارد می‌کنند. اصطلاح گرتة برداری در زبان فارسی قدمت چندانی ندارد و آن را برای اولین بار ابوالحسن نجفی به کار برده و این گونه تعریف می‌کند: «گرتة برداری عبارت است از ترکیبی که اجزای متشکل آن جدا جدا از اجزای ترکیب خارجی ترجمه شده و در کنار هم قرار گرفته باشد» (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۰) مثلاً اصطلاح «آسمانخراش» ترجمه جزء به جزء عبارت خارجی «sky scraper» است. یا عبارت «ماه غسل» یک عنصر قرضی

1. Calque

ترجمه‌ای بوده و ترجمه عبارت «honey moon» است که اجزای آن ترجمه شده و در کنار هم قرار داده شده و ترکیبی جدید را در زبان فارسی به وجود آورده است. این تکنیک در ترجمه‌های عربی به فارسی هم، بسیار رایج بوده و در ترجمه رمان حاضر نیز با اینکه سعی بر ترجمه‌ای ضمنی بوده و کمتر از تکنیک‌های مستقیم استفاده شده است، اما در مواردی گریز برداری نیز به چشم می‌خورد. گاهی استفاده از گریز برداری در ترجمه برخی ترکیب‌ها نه تنها از خوانایی متن نمی‌کاهد، بلکه خلق عبارات جدیدی را می‌آفریند که در غنا بخشیدن به نظام واژگانی و دستوری زبان نقش حیاتی دارد. موارد زیر نمونه‌هایی از این موضوع است:

متن اصلی: «تذکرت أسماء هذه المتعة الطاغية فهرعت إليها» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۲۶). ترجمه: «اسما یاد این لذت سرکش افتاد و به سمتش دوید» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۱).

متن اصل: «من اشتری هذا السكوت الباهظ» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۳۱). ترجمه: «چه کسی این سکوت گران را خرید؟» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۶).

در نمونه‌های فوق با استفاده از تکنیک گریز برداری ترکیب «المتعة الطاغية» به صورت «لذت سرکش» و ترکیب «السكوت الباهظ» به صورت «سکوت گران» ترجمه شده که ترکیب‌هایی زیبا و سازگار با متن رمان است؛ یعنی مترجم به دنبال خلق متنی روان و خوانا برای مخاطبان خود بوده و این قضیه، خود به خود او را از تکنیک‌های مستقیم دور می‌کند، اما در عبارت‌هایی که ترجمه آن‌ها از طریق گریز برداری نه تنها سبب سنگینی و نامأنوس شدن کلام نشده، بلکه خلق عبارت‌های زیبایی را به دنبال دارد؛ از تکنیک گریز برداری غفلت نورزیده و با استفاده بجا از این تکنیک، زیبایی و غنای متن را هم بهبود بخشیده است.

البته «درست است که ترجمه قرضی می‌تواند به غنای فارسی کمک کند، اما چون در ترجمه قرضی نیاز نیست که مترجم خلاقیتی از خود نشان بدهد، ممکن است از امکانات و قابلیت‌های بیانی زبان فارسی غافل بماند و بی‌جهت واژه و تعبیر قرض کند و در نتیجه نتواند با خواننده ارتباط برقرار کند» (خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۲۵) که این مورد بسیار به ندرت در ترجمه رمان به چشم می‌خورد. مورد زیر نمونه‌هایی از این موضوع است:

متن اصلی: «نظرات السائق المتلصصة في مرآة السيارة الأمامية» (الحارثي، ۲۰۱۰: ۵۰).
ترجمه: «دزدیده‌نگاه‌های راننده در آیینۀ جلویی ماشین» (حزبائی‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۲).

در نمونه‌ی اخیر بهتر بود این عبارت را به صورت «نگاه‌های دزدیده» یا «نگاه‌های مخفیانه» ترجمه کند.

متن اصلی: «في تلك الليلة أوقفت سيارتها في أحد المواقف الممتدة على طول شاطئ السيب» (الحارثي، ۲۰۱۰: ۵۵).

ترجمه: «آن شب ماشینش را در یکی از توقف‌گاه‌های کشیده شده بر سواحل السیب نگه داشت» (حزبائی‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۵)

در نمونه‌های بالا، بهتر بود به جای اینکه عبارت المواقف الممتدة را با همان تعبیر زبان مبدأ ترجمه کند، آن را با اندکی تغییر ترجمه می‌کرد. مثلاً به صورت «پارکینگ‌هایی (ایستگاه‌هایی) که در طول ساحل السیب قرار دارند...».

۴-۳. ترجمه تحت اللفظی (الترجمة الحرفية)^۱

ترجمه تحت اللفظی از تکنیک‌های مستقیم بوده و همان گونه که از نامش نیز معلوم است به معنی ترجمه کلمه به کلمه متن مبدأ است؛ «بنابراین روش، مترجم بدون آنکه مجبور باشد تغییرات لغوی یا نحوی در پیام ایجاد کند و یا نیاز به دانش فرازبانی داشته باشد برای انتقال پیام آن را لفظ به لفظ به زبان مقصد برمی‌گرداند» (خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۲۴). اگر زبان مبدأ و مقصد از جهت ساختاری و دستوری به هم نزدیک باشند، از این روش می‌توان بیشتر بهره برد. البته مترجم نباید خود را در چهارچوب الفاظ محدود کند. حتی در ترجمه متون مقدس با وجود اینکه تقابل الفاظ متن مبدأ و مقصد اهمیت بسیار زیادی دارد، اما ترجمه باید از سطح الفاظ فراتر رود و خواننده را نیز مورد توجه قرار دهد. در ترجمه رمان سیدات القمر ترجمه تحت اللفظی از کم بسامدترین تکنیک‌های به کار رفته توسط مترجم است؛ زیرا تفاوت‌های دستوری دو زبان عربی و فارسی، مترجم را از ترجمه مستقیم واژه به واژه و بدون دخل و تصرف باز می‌دارد. همچنین رویکرد غیرمستقیمی که مترجم برای ترجمه رمان در پیش گرفته است، استفاده از روش تحت اللفظی را به حداقل رسانده است.

گاهی نویسنده اصلی رمان به خاطر طبیعی جلوه دادن گفتگوها از قواعد دستور زبان عربی خارج شده و مثلاً برخلاف قواعد دستور زبان عربی، فعل را به آخر جمله آورده است که در این حالت با برطرف شدن بعضی از محدودیت‌های دستوری برای مترجم، ترجمه به تکنیک تحت‌اللفظی تمایل پیدا کرده است. موارد زیر نمونه‌هایی از این موضوع است:

متن اصلی: «ولکن ای إشارة لم تأت» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۰).
ترجمه: «ولی هیچ اشاره‌ای نیامد». (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۹)

متن اصلی: «میا ضحکت» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۲۶).
ترجمه: «میا خندید» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۲)

متن اصلی: «أبی یحتضر وأنا أختنق» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۲۷).
ترجمه: «پدرم در احتضار بود و من خفه می‌شدم» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۲)

در مثال‌های بالا و نمونه‌های مشابهی که در ترجمه رمان دیده می‌شود، مترجم به شیوه‌ای منطقی و قابل قبول از تکنیک مستقیم تحت‌اللفظی بهره برده است در حالی که این موضوع به خوانایی و روانی متن هیچ خللی وارد نکرده است و با رویکرد غیرمستقیمی که مترجم در پیش گرفته است، تضادی ندارد؛ زیرا علت اصلی این امر در واقع رعایت نشدن قواعد دستوری در متن مبدأ است که به صورت اتفاقی با دستور زبان فارسی مطابقت پیدا کرده و سبب شده است که ترجمه تحت‌اللفظی در چنین مواردی دقیقاً، متناسب با همان رویکرد غیرمستقیمی باشد که رویکرد غالب در ترجمه رمان است.

تکنیک ترجمه تحت‌اللفظی در تمام ترجمه‌های عربی به فارسی، بیشتر در ترجمه جمله‌های اسمیه کوتاه کاربرد داشته باشد که همراه با حفظ روانی و خوانایی ترجمه است. رمان بانوان ماه نیز از این گفته مستثنی نبوده و در مواردی جمله‌های اسمیه با این تکنیک ترجمه شده است. به عنوان مثال:

متن اصلی: «هذه الصفقة مضمونة» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۲۸).
ترجمه: «این قرارداد تضمینیه» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۲)

متن اصلی: «صحيح والله أنت ماكبيرة يا ظريفة» (الحارثي، ۲۰۱۰: ۲۶).
ترجمه: «درسته والا تو بزرگ نیستی ظریفه» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۱)

متن اصلی: «الآن إعلانات أهم شيء» (الحارثي، ۲۰۱۰: ۲۸).
ترجمه: «الآن تبلیغات مهم ترین چیزه» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۲۳)

با این وجود می‌بینیم که مترجم در موارد نادری به صورتی نامناسب از این تکنیک بهره‌جسته و رسایی و خوانایی ترجمه را با مشکل روبه‌رو کرده است. نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:

متن اصلی: «الرضاعة سهر وقتال مع الرضیعة لتفتح فمها وآلام فی الظهر من الجلوس الطویل» (الحارثي، ۲۰۱۰: ۴۹).

ترجمه: «شیر دادن بی خوابی و جنگ با شیرخوار بود تا دهانش را باز کند و کمردردها از نشستن‌های طولانی» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۴۱)

پیشتر اشاره شد که مترجم موظف است «تعداد بافتی عنصر زمان» را در ترجمه خود مورد توجه قرار دهد. این امر در ترجمه متون قدیمی و شعرهای نقل شده در لابه‌لای رمان، سبب می‌شود مترجم به سبک‌های قدیمی ترجمه روی آورد که غالباً از انواع تکنیک‌های مستقیم است. «هر پیام ناگزیر در بستر زمانی خاص خود شکل می‌گیرد و بر این اساس مترجم، هنگام فهم و انتقال متن باید سبک ترجمه خود را با لحاظ کردن آن بستر زمانی سامان داده و بافت معادل زمانی را فراهم آورد» (ترکاشوند، ۱۳۹۲: ۷۰). به عنوان مثال، در ترجمه بیت زیر گرایش به تکنیک تحت‌اللفظی موج می‌زند:

متن اصلی: «وَأني لها من دل لیلی إذا أنثنت ... بعینی مهة الرمل قد مسها الذعر» (الحارثي، ۲۰۱۰: ۱۱۳).

ترجمه: «از کجا بیاورد ناز لیلی وقتی خم می‌شود ... با دو چشم آهوی شنزار که هراسیده باشد» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۸۹)

غیر از موارد مشابه نمونه‌های ارائه شده، تکنیک تحت‌اللفظی در ترجمهٔ رمان سیدات القمر کمتر دیده می‌شود.

۵. بررسی تطبیقی تکنیک‌های غیرمستقیم

۱-۵. تغییر صورت (القلب)^۱

تغییر صورت به معنی ایجاد تغییرات دستوری در اجزای جمله همراه با حفظ معنی متن است. به عبارت دیگر، «تغییر صورت یعنی جایگزینی کلمه‌ای متعلق به یک مقولهٔ دستوری با کلمه‌ای متعلق به مقولهٔ دستوری متفاوت» (خزاعی فر، ۱۳۸۸: ۴۷) به عنوان مثال، گاهی در ترجمهٔ فعل از مصدر استفاده می‌کنیم یا اسم را به صورت فعل، یا اسم جمع را به صورت مفرد و اسم مفرد را به صورت جمع، ترجمه می‌کنیم. مترجم گاهی این تغییرات را به صورت اختیاری به کار می‌گیرد و در بسیاری موارد نیز از انجام این تغییرات ناگزیر است، چراکه «در ترجمه همیشه نمی‌توان لفظ را در برابر لفظ نشانده. انتقال معنی از زبانی به زبان دیگر، عموماً با ایجاد تغییراتی در صورت پیام یا به عبارتی دقیق‌تر در صورت‌های دستوری ممکن می‌شود» (خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۲۷). وینه و داربلنه این تکنیک را که موجب تغییر ساختار دستور زبان است «به عنوان احتمالاً متداول‌ترین تغییر انجام گرفته توسط مترجمان می‌دانند» (نیازی، ۱۳۹۸: ۵۹). مترجم رمان سیدات القمر نیز به خاطر اینکه معنی عبارت‌های رمان را به صورتی روان منتقل کند، هم به صورت اختیاری و هم به صورت اجباری از تکنیک تغییر صورت بهره برده است. به عنوان مثال:

متن اصلی: «و تربی إخوتها» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۳). مطالعات فرهنگی
ترجمه: «و معلم خواهر برادرش» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۱).

در این مثال، کلمهٔ «تربی» یک فعل مضارع و به معنی «تربیت می‌کند» که به صورت اسم «معلم» ترجمه شده است.

متن اصلی: «لاأرید أن المس یده ولا شعره» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۰).
ترجمه: «نمی‌خواهم دستی به سر و موهاش بکشم» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۹).

در جمله فوق ضمیر «ه» در «یده» ترجمه نشده و واژه «شعر» نیز که مفرد است به صورت جمع ترجمه شده است.

متن اصلی: «هل أنت مستعدة» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۸).

ترجمه: «آیا تو آمادگی داری.» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۸)

در مثال بالا کلمه «مستعدة» که یک اسم است به صورت فعل «آمادگی داری» ترجمه شده است.

حذف ضمائر هم اگر به فهم متن آسیبی نرزد، از انواع تکنیک تغییر صورت به حساب می‌آید که در ترجمه‌های عربی به فارسی بسیار پر بسامد است.

متن اصلی: «فاجأنا خالی علی الغداء» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۰).

ترجمه: دایی بی‌خبر برای ناهار پیش ما آمده بود (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۹).

متن اصلی: «فتحت ما یا عینیها» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۱).

ترجمه: مایا چشم باز کرد (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۰)

متن اصلی: «تمنت أن تكون ولادتها سهلة كولدات أمها» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۰).

ترجمه: آرزو کرد زایمان راحتی داشته باشد. مانند: زایمان مادرش (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۹).

متن اصلی: «فی موجات من البكاء والتهدن» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۷).

ترجمه: «با موجی از آه و گریه» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۷)

در نمونه‌های اخیر ضمیر «ی» در کلمه «خالی» و ضمیر «ها» در جمله «چشم‌هایش» ترجمه نشده و کلمه «ولادات» و «موجات» که جمع هستند به صورت مفرد ترجمه شده است؛ البته با توجه به اینکه نویسنده قصد داشته است در لابه‌لای داستان به رنج‌ها و سبک متفاوت زندگی نسل قدیم اشاره کند، مترجم بهتر بود کلمه «ولادات» را دقیقاً به صورت «زایمان‌ها» ترجمه کند.

متن اصلی: «قالت وقتها» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۰).

ترجمه: «گفت وقتش رسیده.» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۰).

در این مثال به خاطر مفهوم بودن بیشتر جمله از «گسترش واژگان» که از انواع تغییر صورت است، استفاده شده و عبارت «وقتها» گسترش یافته و به صورت فعل «وقتش رسیده است» ترجمه شده است.

۵-۲. تغییر بیان (التقیید المعنی)^۱

تغییر بیان به معنی تغییر شکل متن از طریق تغییر معنایی یا دیدگاه است؛ به گونه‌ای که معنی متن و دیدگاه تغییر می‌یابد، اما ایده اصلی انتقال یافته و به زبانی گویاتر بیان می‌شود. «تغییر بیان، رویه‌ای است که زمانی محقق می‌شود که ترجمه تحت‌اللفظی و حتی جابه‌جایی به گفته دستوری درستی منجر شود، اما آن ترجمه در زبان مقصد نامناسب به شمار می‌آید» (نیازی، ۱۳۹۸: ۶۰). منظور از تغییر بیان در این مقاله، تغییر بیان از دیدگاه وینه و داربلنه است، چراکه آرای نظریه پردازان ترجمه در مورد تغییر بیان متفاوت است. به عنوان مثال «از نظر پوپویچ^۲ (۱۹۷۰) همه مواردی که در مقایسه متن اصلی جدید و متفاوت به نظر می‌رسند از موارد تغییر بیان هستند» (خزاعی فر، ۱۳۷۷: ۷). با این توضیح از نگاه پوپویچ، گونه‌های بعدی ترجمه مانند معادل‌یابی و همانندسازی نیز از تغییر بیان محسوب می‌شوند. از دیدگاه کتفورد^۳ (۱۹۶۵) به عنوان اولین کسی است که این اصطلاح را به کار برده است، تغییر بیان عمومیت بیشتری دارد و تمام تغییرات لغوی و ساختاری را شامل می‌شود، اما تغییر بیان از نگاه وینه و داربلنه که توضیح آن گذشت، دامنه محدودتری دارد که مورد نظر نگارندگان این مقاله است و خود شامل چندین نوع می‌شود. مترجم رمان سیدات القمر به خوبی توانسته است با حفظ و انتقال ایده از متن مبدأ به مقصد از تغییر بیان بهره ببرد. به عنوان مثال:

متن اصلی: «وأنا حية أرزق» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۲).

ترجمه: «وقتی من هنوز زنده‌ام و رزق و روزی‌ام رو می‌خورم» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۱)

1. Modulating
2. Popovich
3. Catford

در این جمله کلمه «أرزق» که فعلی مجهول و به معنی «روزی داده می‌شوم» است به صورت معلوم ترجمه شده است که این از انواع تغییر بیان به حساب می‌آید. متن اصلی: «كان ذلك قبل أن تأتي بالدهش إلى البيت» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۶). ترجمه: «این قبل از آن بود که دیش وارد خانه ما شود» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۳).

در این جمله نیز فعل معلوم به صورت مجهول ترجمه شده است که این نیز از انواع تغییر بیان به حساب می‌آید.

متن اصلی: «وأحلف لك يا ربی لن يفوتنی فرض ولا نفل» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۰). ترجمه: «خدایا قسم می‌خورم هیچ نماز فرض و مستحبی رو از دست ندم» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۹).

در ترجمه این جمله از بیان جزء به کل که یکی از انواع تغییر بیان است، استفاده شده است.

متن اصلی: «هی لا تتزحزح طوال النهار و شرطراً من الليل من كرسيتها الخشبي قبالة الماكينة» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۷). ترجمه: «تمام روز و قسمتی از شب را از روی صندلی چوبی پشت چرخ جنب نمی‌خورد» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۷).

در نمونه فوق، واژه «قبالة» اگر عیناً ترجمه می‌شد، عبارتی مانند «مقابل چرخ» یا «روبه‌روی چرخ» به دست می‌آمد که در زبان فارسی بسیار نامناسب بود و مترجم با تغییر بیان و حفظ پیام آن را به «پشت» تغییر داده است؛ البته گاهی از این موضوع غفلت کرده است:

متن اصلی: «أصبحت الحكة في شعرها لا تطاق» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۴۹). ترجمه: «خارش موی سر دیگر قابل تحمل نبود» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۴۱).

در این نمونه اگر به جای «خارش موی سر» از عبارت «خارش سر» استفاده می‌کرد، درست‌تر بود، چرا که در فارسی به این صورت کاربرد ندارد. با دقت در مثال‌های بیان شده، روشن می‌شود که مترجم، روانی و تناسب جملات را به عنوان یک متن داستانی بسیار مورد توجه قرار داده است و با اعمال تغییراتی در معنی و شکل متن، همان پیام‌ها را به صورتی گویا تر بیان کرده است. در واقع هدف مترجم از به کارگیری این تکنیک این است که با ارائه ترجمه‌های مناسب که با ادبیات و عبارات زبان مقصد هم‌خوانی بیشتری دارد، همان پیام و ایده متن مبدأ را انتقال دهد؛ اگرچه به ایجاد تغییراتی در معانی متن منجر شود.

۳-۵. معادل‌یابی (المساواة)^۱

معادل‌یابی به این معنی است که موقعیتی یکسان با ابزاری ساختاری و سبکی جدید توصیف شود؛ به عبارتی دیگر، «معادل‌یابی، یعنی ایجاد تأثیری مشابه تأثیر متن اصلی با استفاده از کلمات و بیانی کاملاً متفاوت. مثال: خداحافظ: «See you later» (خزاعی فر، ۱۳۸۸: ۴۸). در این تکنیک، معیار موفقیت مترجم، تأثیر مساوی یا مشابه بر خواننده است؛ بدین معنی که اگر جمله ترجمه شده، همان تأثیری را در خواننده بگذارد که متن اصلی گذاشته است، می‌توان گفت که مترجم به خوبی عمل کرده است. «وینه و داربلنه، معتقدند به کارگیری این روند طی فرآیند ترجمه می‌تواند تأثیر سبک متن مبدأ را در متن زبان مقصد حفظ کند؛ بنابراین وقتی مترجم مجبور است با ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کلیشه‌ها، عبارات اسمی یا وصفی و صداواژه‌ها سر و کار داشته باشد، این بهترین روش است» (ولی‌پور، ۱۳۸۲: ۶۴).

متن اصلی: «تتفائلی لی بالموت» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۲).
ترجمه: «خواب مرگ برام می‌بینی» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۱).

متن اصلی: «لم أبح له» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۸).
ترجمه: «پیشش نم‌پس ندادم» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۸).

متن اصلی: «وَأَمَّا سَمَّحَتْ لَهَا أَنْ تَسْتَحِمَّ بِسُرْعَةٍ» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۴۹).

ترجمه: «مادر بالأخره اجازه داد گره‌شویی بکند» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۴۱)

متن اصلی: «أَزْعَجَنِي» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۵).

ترجمه: «روی اعصابم راه رفت» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۳).

متن اصلی: «أَصْرَتْ عَلَيَّ إِرسَالُ الخَادِمَةِ لبلدها فجأة» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۸).

ترجمه: «پایش را توی یک کفش کرد و پیش خدمت را بی مقدمه راهی کشورش ساخت»

(حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۵)

در مثال‌های بالا و بسیاری از مواردی دیگر، مترجم به خوبی توانسته است، معادل‌های

مناسبی را برای هر یک از عبارات عربی پیدا کرده و به کار ببرد.

متن اصلی: «لا تسمع غير ضجيج ماكينة الخياطة» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۷).

ترجمه: «جز صدای غژغژ چرخ خیاطی نمی‌شنود» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۷).

در نمونه بالا برای ترجمه صداواژه مربوط به چرخ خیاطی از کلمه‌ای بسیار متناسب؛

یعنی «غژغژ» بهره برده است. کتاب حاضر مملوء از این معادل‌یابی‌های زیباست. همان‌گونه

که اشاره شد، مترجم باید با در نظر گرفتن شرایط و سیاق جمله‌های متن اصلی، معادلی را

برگزیند که همان تأثیر متن اصلی را بر خواننده داشته باشد. «معادل‌سازی برای تعابیر،

معمولاً با توجه به بافت جمله صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که مترجم ببیند در قالب بیانی یا

ساختاری که در زبان فارسی برای ترجمه جمله عربی انتخاب می‌کند، چه معادلی برای

تغییر مورد نظر مناسب تر است» (ناظمیان، ۱۳۹۲: ۹۰)، اما گاهی در این موضوع دقت کافی

نداشته و به افراط یا تفریط دچار شده است. به عنوان مثال:

متن اصلی: «كانت الأم حاضرةً فغضبت» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۲).

ترجمه: «مادرش همان جا بود و از کوره دررفت» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۱).

در نمونه اخیر با توجه به سیاق کلام عصبانیت مادر در حدی معمولی بوده و اگر مترجم عبارت «غضبت» را به صورت «عصبانی شد» ترجمه می‌کرد، بهتر بود. نه به صورت «از کوره در رفت» که بر عصبانیتی شدید دلالت می‌کند. هدف از شیوه‌های معادل‌یابی آن است که سلطه و سیطره متن اصلی بر خواننده کم شده یا از بین برود (ناظمیان، ۱۳۹۲: ۹۰). در حقیقت معادل‌یابی به رسایی و شیوایی متن ترجمه شده کمک شایانی می‌کند و سبب می‌شود که بوی ترجمه از متن برنخیزد.

۵-۴. همانندسازی (التحویل)^۱

«همانندسازی یعنی جایگزینی کلمه و مفهومی از متن اصلی که در فرهنگ مقصد وجود ندارد، یا معنی دیگری به ذهن متبادر می‌کند، با کلمه و مفهومی مشابه آن در ترجمه که برای خواننده آشناست مانند: مثل ماه زیبا بود. *she was as beautiful a rose*. (خزاعی فر، ۱۳۸۸: ۴۸). این تکنیک در واقع زمانی به کار گرفته می‌شود که فهم خواننده بسیار حائز اهمیت بوده و انتقال مفاهیم فرهنگی از زبان مبدأ به مقصد مشکل ایجاد کند. در گذشته این موضوع اهمیت چندانی نداشته و «بیشتر نظریه پردازان حوزه ترجمه عامل مهمی را نادیده گرفته‌اند که نقشی اساسی در آفرینش و تولید معنا دارد و آن، همان خواننده به شکل عام و خواننده متن ادبی به شکل خاص است» (گنجیان‌خناری، ۱۳۹۷: ۱۰۲)؛ بنابراین مترجم، می‌تواند جنبه‌های فرهنگی متن مبدأ را متناسب با زبان فرهنگ مقصد تغییر دهد. برای مثال، روز «یکشنبه» را اگر اشاره به تعطیلات هفتگی اشاره دارد، «جمعه» ترجمه کند. البته می‌توان گفت همانندسازی نوعی معادل‌یابی است؛ همچنان که خزاعی فر نیز اقرار می‌کند: «دو تکنیک اخیر، یعنی معادل‌سازی و همانندسازی به مفهومی کم و بیش یکسان اشاره دارند و تمایز میان آن دو، چندان روشن نیست و اساساً دلیلی برای تمایز آن دو موجود نیست» (خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۳۸). با این وجود و با توجه به تعاریفات نقل شده از وینه و داربلنه، نگارندگان این مقاله معتقدند با وجود تداخل مصادیق این دو تکنیک، معادل‌یابی بیشتر در ترجمه ضرب المثل‌ها و اصطلاحات به کار می‌رود، اما همانندسازی به تکنیکی اطلاق می‌شود که مترجم در ترجمه بعضی از جملات متن اصلی،

سعی می‌کند عبارات، واژه‌ها یا مفاهیمی را به کار گیرد که در فرهنگ مقصد برای خواننده قابل فهم‌تر است.

در رمان حاضر به صورت قطع می‌توان گفت که همانندسازی پر بسامدترین تکنیک به کار گرفته شده توسط مترجم است و اغراق نکرده‌ایم اگر بگوییم هیچ صفحه‌ای از کتاب نیست مگر اینکه قسمت‌هایی از آن با استفاده از تکنیک اقتباس به فارسی برگردانده شده است. در ادامه به ذکر نمونه‌هایی تطبیقی از این تکنیک در رمان بانوان ماه می‌پردازیم:

متن اصلی: «و ترجم من مصر والعراق حالى لحيتهك وتدخن وتشرّب» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۶).
ترجمه: «از مصر و عراق ریش تراشیده برگردی و دود کنی و مشروب بخوری»
(حزبائی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۳)

در جمله فوق اگر کلمه «تشرّب» که به معنی «می‌نوشی» است، دقیقاً ترجمه می‌شد، معنی متن اصلی را به ذهن خواننده متبادر نمی‌کرد؛ بنابراین، مترجم به درستی با استفاده از تکنیک اقتباس، «نوشیدن» را به «شراب نوشیدن» تغییر داده است، اما بهتر بود عبارت «تدخن» را نیز با استفاده از همین تکنیک به صورت «سیگار بکشی» ترجمه می‌کرد؛ چون در زبان فارسی عبارت «دود کردن» نیز معنی مبهمی دارد و منظور دقیق نویسنده را که «سیگار کشیدن» است دقیقاً منتقل نمی‌کند.

بهره گرفتن از تکنیک اقتباس به صورت درست و مناسب نشان‌دهنده تسلط و احاطه بر زبان مبدأ و مقصد است. در هر زبانی ممکن است برای اشاره به یک چیز از یکی از اوصاف بارز آن استفاده شود، اما در زبانی دیگر برای اشاره به همان چیز، وصفی دیگر به کار برده شود. مترجم رمان حاضر نیز بر این موضوع واقف بوده است. به عنوان مثال:

متن اصلی: «سيارات أصدقائه ذات الدفع الرباعي» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۳۷).
ترجمه: «ماشین‌های شاسی‌بلند دوستانش» (حزبائی‌زاده، ۱۳۹۹: ۳۱).

در نمونه اخیر، عبارت «ذات الدفع الرباعي» در حقیقت هیچ اشاره‌ای به شاسی‌بلند بودن ماشین نداشته و به متحرک بودن هر چهار چرخ اشاره دارد، اما چون در زبان فارس شاسی

بلند بودن این مدل ماشین‌ها بیشتر مورد توجه است با اقتباسی بجا به ترجمه غیرمستقیم روی آورده است.

متن اصلی: «السجادة الفارسية الحمراء» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۲۰).
ترجمه: «فرش ایرانی قرمز» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۷).

در این جمله نیز واژه «فارسیه» به خاطر نامناسب بودن در فرهنگ مقصد به صورت غیرمستقیم به «ایرانی» تغییر یافته است. با اینکه مترجم با اقتباس‌های به‌جا، سعی کرده است با خواننده ارتباط خوبی برقرار کند، اما همه این اقتباس‌ها مناسب نبوده و گاهی با تغییر پیام و بار معنایی آن همراه است. به عنوان مثال:

متن اصلی: «قالت إنها لا تريد أن تظل طوال حياتها تحت سيطرة أمها» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۵).

ترجمه: «گفت نمی‌خواهد همه عمر زیر چتر مادرش بماند» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۲).

در این جمله «مایا» می‌خواهد که از امر و نهی‌های مادر سخت‌گیرش رها شود؛ حال آنکه مترجم با ترجمه اقتباسی خود از عبارتی استفاده کرده است که بار مثبت دارد و حمایت مادر را می‌رساند. گاهی مترجم از به‌کار بردن اقتباس‌هایی مناسب غفلت کرده و با ترجمه مستقیم، بار معنایی جملات را تغییر داده است. به عنوان مثال، وقتی عبدالله که یکی از شخصیت‌های داستان بوده و بنا به عرف و سنت برای پدرش بسیار احترام قائل است، در مورد پدرش صحبت می‌کند:

متن اصلی: «... صاح في نوبة خرف ...» (الحارثی، ۲۰۱۰: ۱۷).

ترجمه: «وقتی خرف شده بود ...» (حزبائی زاده، ۱۳۹۹: ۱۴).

در جایی دیگر درباره پدرش می‌گوید:

متن اصلی: «أمسحه بفوطته الزرقاء المعلقة دوماً على المسمار في الباب» (الحارثي، ۲۰۱۰: ۱۷).

ترجمه: «با کهنه آبی که همیشه به میخ در آویزان بود عرقش را گرفتم» (حزبائی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۴).

در دو جمله فوق باید مترجم دقت می‌کرد، عبدالله در طول رمان با احترام در مورد پدرش صحبت کرده است؛ بنابراین، در ترجمه این جمله که مربوط به هذیان گفتن پدرش در بیماری است از عبارت «خرف شدن» نباید استفاده کرد و با استفاده از اقتباس، عبارت دیگری مانند «هذیان می‌گفت» را به کار می‌برد و در جمله دوم به جای «کهنه» از کلمه‌ای مانند «دستمال» استفاده می‌کرد.

متن اصلی: «أن جماعة من المراهقين هاجموا سكن المعلمات واغتصبوا بعضهن» (الحارثي، ۲۰۱۰: ۱۵).

ترجمه: «گروهی از نوجوانان به خوابگاه معلم‌ها یورش بردند و به بعضی از آن‌ها تجاوز کردند» (حزبائی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۲).

در نمونه اخیر بهتر بود کلمه «المراهقين» را که به معنی «نوجوانان» است با یک تکنیک اقتباسی به صورت «جوانان» ترجمه می‌کرد؛ زیرا کلمه «نوجوانان» در فارسی هرگز به سنی اطلاق نمی‌شود که بتوانند به چنین کاری دست بزنند.

در مثال‌های بالا، مترجم در همانندسازی‌هایی که به کار برده است، در انتقال دقیق انگیزه و هدف متن اصلی موفق نبوده است. «اگر بپذیریم که مترجم نیز به نوعی، فرستنده پیام است؛ پس باید همان شرایط بافتی را که خالق اصلی متن ایجاد کرده در متن ترجمه شده ایجاد کند؛ یعنی باید انگیزه‌ها و اهداف خالق متن را از رهگذر بافتی که به وجود می‌آورد به گیرنده انتقال دهد» (ترکاشوند، ۱۳۹۲: ۶۸).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که مترجم در ترجمه رمان سیدات القمر، خواننده را بسیار مورد توجه قرار داده و رویکردی مقصدگرایانه داشته است؛ بنابراین، در ترجمه‌ای

که ارائه کرده، تکنیک‌های غیرمستقیم (تغییر صورت، تغییر بیان، معادل‌یابی و اقتباس) به وفور به کار برده شده است و تلاش موفقیت‌آمیز مترجم برای خلق اثری خوانا و روان، سبب شده است که به ندرت از تکنیک‌های مستقیم (قرض‌گیری، گرت‌برداری و تحت اللفظی) استفاده کند.

میزان به‌کارگیری هر یک از تکنیک‌های هفت‌گانه توسط مترجم در نمودار (۱) نمایش داده شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رمان بانوان ماه یک ترجمه غیرمستقیم است. مترجم برای اینکه موقعیت‌های متن اصلی را به صورت یکسان و مشابه در متن مقصد بازآفرینی کند، توانسته است همانندسازی‌ها و معادل‌یابی‌های هنرمندانه‌ای به کار ببرد. به این ترتیب بسیاری از اصطلاحات، کنایات، موقعیت‌ها و عبارات متن اصلی را به صورت غیرمستقیم بازسازی کرده و به ویژه با معادل‌یابی‌های به روز و اقتباس‌های به موقع، توانسته است ترجمه‌ای خواندنی ارائه کند که خواننده کمتر احساس می‌کند با یک متن ترجمه شده روبه‌رو است. در واقع «بانوان ماه» نمونه‌ای از یک ترجمه موفق است که علاوه بر اهداف خاص رمان، می‌تواند الهام‌بخش پیامی مهم به مترجمان رمان و متون داستانی باشد و آن این است که: در ترجمه چنین متن‌هایی برای خلق یک اثر خوب که تأثیرات متن اصلی را بر مخاطبان خود از دست ندهد باید هنر استفاده از تکنیک‌های غیرمستقیم به ویژه معادل‌یابی و همانندسازی را در خود تقویت کنند.

نمودار ۱. به‌کارگیری هر یک از تکنیک‌های هفت‌گانه توسط مترجم



قرض‌گیری ■ گرت‌برداری ■ تحت اللفظی ■ تغییر صورت ■ تغییر بیان ■ معادل‌یابی ■ همانندسازی

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammadnabi Ahmadi



<http://orcid.org/0000-0002-1032-5939>

Yahya Babaei



<http://orcid.org/0000-0002-0013-0193>

منابع

- آذرتاش، آذرنوش. (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. چ ۱۵. تهران: نشر نی.
- اسماعیلی طاهری، احسان، میراحمدی، سیدرضا، بخشش، مقصود. (۱۳۹۷). واکاوی ترجمه نامه امام علی(ع) به مالک اشتر بر پایه راهکارهای هفت گانه وینه و داربلنه. مطالعات قرآن و حدیث، (۹)۵، ۱-۲۳.
- ترکاشوند، فرشید. (۱۳۹۲). تعادل بافتی در ترجمه از عربی به فارسی با رویکرد کاربرد شناختی. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۷)۳، ۷۸-۵۹.
- الحارثی، جوخه. (۲۰۱۰م). سیدات القمر. چ ۱. بیروت: دارالآداب.
- حزبائی زاده، محمد. (۱۳۹۹). بانوان ماه. چ ۱. تهران: کوله پستی.
- حیدری، حمیدرضا. (۱۳۹۸). تغییر بیان و فاخرگویی در ترجمه از فارسی به عربی براساس نظریه وینه و داربلنه. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۲۰)۹، ۱۹۷-۲۱۶.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۷۰). تکنیک‌های هفت گانه ترجمه (۱). مترجم، (۱)۳، ۲۳-۳۴.
- _____ (۱۳۷۰). تکنیک‌های هفت گانه ترجمه (۲). مترجم، (۴)۱، ۳۷-۴۱.
- _____ (۱۳۷۷). تغییر بیان در ترجمه. مترجم، (۲۷)۳، ۱۱-۳.
- _____ (۱۳۸۸). ترجمه متون ادبی. چ ۷. تهران: سمت.
- قیم، عبدالنبی. (۱۳۹۳). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. چ ۱. تهران: فرهنگ معاصر.
- کوثری، عبدالله. (۱۳۸۶). سخنی درباره ترجمه متون قدیمی. مترجم، (۴۵)۱۷، ۲۳-۲۸.
- گنجیان خناری، علی. (۱۳۹۷). واکاوی چالش‌های ترجمه ادبی: بررسی تحلیلی نوع متن، اجزای متن و چالش خواننده. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۱۸)۸، ۹۵-۱۱۴.
- ناظمیان، رضا و قربانی، زهره. (۱۳۹۲). از تعدیل تا معادل‌یابی. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۹)۳، ۸۵-۱۰۲.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۹۱). غلط نویسیم. چ ۱۷. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نیازی، شهریار، یوسفی، عطیه، امیری فر، محمد. (۱۳۹۸). واکاوی بخشی از ترجمه رمان «الشحاذ» براساس الگوی نظری وینی و داربلنه. زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، (۳۰)۱۳، ۴۹-۷۲.
- ولی پور، واله. (۱۳۸۲). بررسی نظریات معادلیابی در ترجمه. متن پژوهی ادبی، (۱۸)۷، ۶۲-۷۳.

References

- Azartash, A. (2011). *Contemporary Arabic-Persian Culture*. 15 Edition. Tehran: Nei Publication. [In Persian]
- Esmaili Taheri, E., Mirahmad, R. & Bakhshesh, M. (2017). Analysis of the Translation of the letter of Imam Ali (a.s.) to Malik Ashtar based on the seven-fold solutions of Vinah and Darblanah. *Qur'an and Hadith Studies Quarterly*, 5(9), 1-23. [In Persian]
- Ganjian Khanari, A. (2017). Analyzing the Challenges of Literary Translation: Analytical Examination of Text Type, Text Components and Reader's Challenge. *Quarterly Journal of Translation Researches in Arabic Language and Literature*, 8(18), 95-114. [In Persian]
- Harbaizadeh, M. (2019). *Banvan Mah*. 1 Edition. Tehran: Koleh Pashti Publications. [In Persian]
- Harithi, J. (2010). *Syedat Al-qamar*. 1 Edition. Lebanon-Beirut: Dar al-Adaab. [In Arabic]
- Heydari, H. (2018). Changing Expression and Boasting in Translation from Persian to Arabic based on the Theory of veena and Darbalneh. *Quarterly Journal of Translation Research in Arabic Language and Literature*, 9(20), 197-216. [In Persian]
- Khazai Far, A. (1991). Seven-week Translation Techniques (1). *Translator's Scientific and Cultural Quarterly*, 3(1), 23-34. [In Persian]
- _____ (1991). Seven-week Translation Techniques (2). *Translator's Scientific and Cultural Quarterly*, 3(4), 37-41. [In Persian]
- _____ (1998). Change of Expression in Translation. *Scientific and Cultural Quarterly of the Translator*, (27), 3-11. [In Persian]
- _____ (2009). *Translation of Literary Texts*. 7 Edition. Tehran: Samt. [In Persian]
- Kothari, A. (2007). Speech about the Translation of old Texts. *Translator's Scientific and Cultural Quarterly*, 17(45), 23-28. [In Persian]
- Najafi, A. (2011). *Don't Write it Wrong*. 17 Edition. Tehran: University Publication Center. [In Persian]
- Nazimian, R. & Ghorbani, Z. (2012). From Adjustment to Equivalence. *Quarterly Journal of Translation Researches in Arabic Language and Literature*, 3(9), 85-102. [In Persian]
- Niazi, Sh., Yousefi, A., & Amirifar, M. (2018). Analysis of a Part of the Translation of the novel "Al-Shahaz" based on the Theoretical model of Vinny and Darbelneh. *Linguistics Quarterly of Al-Zahra University (S)*, 11(30), 49-72. [In Persian]

- Paul Vinay, J., & Darbelnet, J. (1995). *Comparative Stylistics of French and English*. Translated by Juan C. Sager & Marie-Josée Hamel. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Qayyim, A. N. (2013). *Contemporary Arabic-Persian Culture*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]
- Terkashund, F. (2012). Textual balance in Translation from Arabic to Persian with the Cognitive Application Approach. *Quarterly Journal of Translation Research in Arabic Language and Literature*, 17(30), 59-78. [In Persian]
- Walipur, V. (2003). Examination of the Theories of Redemption in Translation. *Literary Textual Research Quarterly*, 7(18), 62-73. [In Persian]



استناد به این مقاله: احمدی، محمدنبی، بابایی، یحیی. (۱۴۰۱). نقد ترجمه بخش‌هایی از رمان «سیدات القمر» با تأکید بر تکنیک‌های هفت‌گانه. *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۶)، ۲۱۷-۲۴۴. doi: 10.22054/RCTALL.2021.58708.1538



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.